

شنای سیاستگذار ایرانی بر خلاف جریان‌های جهانی

سدهایی که آب ندارند، نان دارند

با وجود خالی ماندن ظرفیت بیشتر سدها و تاثیر اندک آنها در حل مشکل کم آبی کشور، پروژه‌های سدسازی همچنان در حال اجرا هستند

صفحه ۲



وقتی ترامپ مسیر قفقاز را به نام خود می‌زند

زنگ خطر در زنگزور

همین صفحه

گزارش

وقتی ترامپ مسیر قفقاز را به نام خود می‌زند

زنگ خطر در زنگزور

تغییر مسیر زنگزور و کاهش دسترسی ایران به این کریدور ترانزیتی،

زیانی بالغ بر صدها میلیون دلار به اقتصاد کشور تحمیل می‌کند

از رویدادی کم‌سابقه در دیپلماسی قفقاز، رئیس‌جمهور ایالات متحده، دونالد ترامپ، اعلام کرد که کریدور ترانزیتی زنگزور از این پس «مسیر ترامپ» نام خواهد گرفت و همکاری آمریکا با این مسیر به مدت ۹۹ سال ادامه خواهد یافت. این اعلام در جریان مراسم امضای توافق صلح تاریخی میان آذربایجان و ارمنستان، در حضور رهبران دو کشور و با نظارت مستقیم ترامپ در کاخ سفید، صورت گرفت که بخشی از بسته بزرگ‌تر واشنگتن برای تثبیت نفوذ آمریکا در قفقاز جنوبی است.

زنگزور، گذرگاهی باریک در جنوب ارمنستان، از مدت‌ها پیش به نقطه کلیدی رقابت‌های ژئوپلیتیک بدل شده بود. برای ایران، اهمیت این مسیر فقط در جغرافیا خلاصه نمی‌شود؛ این کریدور آخرین و تنها مرز زمینی ایران با ارمنستان است، خطی باریک اما حیاتی که تهران را به قفقاز و از آنجا به اروپا متصل می‌کند. از دست رفتن این مرز به معنای کاهش قدرت ژئوپلیتیک ایران، افزایش نفوذ ترکیه و ناتو در شمال غرب، و محدود شدن نقش ایران در ترانزیت بین‌المللی است. تهدیدات امنیتی نیز قابل توجه است. نزدیکی اسرائیل به مرزهای ایران از طریق همکاری‌های عمیق تر با جمهوری آذربایجان، چشم‌انداز جدیدی از فشارهای اطلاعاتی و نظامی را ترسیم می‌کند. در چنین شرایطی، تصمیم واشنگتن برای تبدیل زنگزور به یک «مسیر آمریکایی» می‌تواند موازنه قدرت در قفقاز را به ضرر ایران تغییر دهد. علی‌اکبر ولایتی مشاور رهبر انقلاب در واکنش به این رویداد مهم زبان به اعتراض گشود و اعلام کرد ایران مانع احداث کریدور آمریکایی می‌شود. «ایران با یادون روسیه مانع کریدور آمریکایی در قفقاز می‌شود، مگر قفقاز جنوبی یک منطقه بی‌صاحب است که ترامپ آن را اجاره کند؟ قفقاز یکی از حساس‌ترین نقاط جغرافیایی دنیاست و این گذرگاه نه به دالانی در مالکیت ترامپ، بلکه به گورستانی برای مزدوران ترامپ تبدیل خواهد شد.»

زنگزور، کریدور باریک در جنوب ارمنستان، از مدت‌ها پیش به نقطه کلیدی رقابت‌های ژئوپلیتیک بدل شده بود. برای ایران، اهمیت این مسیر فقط در جغرافیا خلاصه نمی‌شود؛ این کریدور آخرین و تنها مرز زمینی ایران با ارمنستان است، خطی باریک اما حیاتی که تهران را به قفقاز و از آنجا به اروپا متصل می‌کند. از دست رفتن این مرز به معنای کاهش قدرت ژئوپلیتیک ایران، افزایش نفوذ ترکیه و ناتو در شمال غرب، و محدود شدن نقش ایران در ترانزیت بین‌المللی است. تهدیدات امنیتی نیز قابل توجه است. نزدیکی اسرائیل به مرزهای ایران از طریق همکاری‌های عمیق تر با جمهوری آذربایجان، چشم‌انداز جدیدی از فشارهای اطلاعاتی و نظامی را ترسیم می‌کند. در چنین شرایطی، تصمیم واشنگتن برای تبدیل زنگزور به یک «مسیر آمریکایی» می‌تواند موازنه قدرت در قفقاز را به ضرر ایران تغییر دهد. علی‌اکبر ولایتی مشاور رهبر انقلاب در واکنش به این رویداد مهم زبان به اعتراض گشود و اعلام کرد ایران مانع احداث کریدور آمریکایی می‌شود. «ایران با یادون روسیه مانع کریدور آمریکایی در قفقاز می‌شود، مگر قفقاز جنوبی یک منطقه بی‌صاحب است که ترامپ آن را اجاره کند؟ قفقاز یکی از حساس‌ترین نقاط جغرافیایی دنیاست و این گذرگاه نه به دالانی در مالکیت ترامپ، بلکه به گورستانی برای مزدوران ترامپ تبدیل خواهد شد.»

زنگزور، کریدور باریک در جنوب ارمنستان، از مدت‌ها پیش به نقطه کلیدی رقابت‌های ژئوپلیتیک بدل شده بود. برای ایران، اهمیت این مسیر فقط در جغرافیا خلاصه نمی‌شود؛ این کریدور آخرین و تنها مرز زمینی ایران با ارمنستان است، خطی باریک اما حیاتی که تهران را به قفقاز و از آنجا به اروپا متصل می‌کند. از دست رفتن این مرز به معنای کاهش قدرت ژئوپلیتیک ایران، افزایش نفوذ ترکیه و ناتو در شمال غرب، و محدود شدن نقش ایران در ترانزیت بین‌المللی است. تهدیدات امنیتی نیز قابل توجه است. نزدیکی اسرائیل به مرزهای ایران از طریق همکاری‌های عمیق تر با جمهوری آذربایجان، چشم‌انداز جدیدی از فشارهای اطلاعاتی و نظامی را ترسیم می‌کند. در چنین شرایطی، تصمیم واشنگتن برای تبدیل زنگزور به یک «مسیر آمریکایی» می‌تواند موازنه قدرت در قفقاز را به ضرر ایران تغییر دهد. علی‌اکبر ولایتی مشاور رهبر انقلاب در واکنش به این رویداد مهم زبان به اعتراض گشود و اعلام کرد ایران مانع احداث کریدور آمریکایی می‌شود. «ایران با یادون روسیه مانع کریدور آمریکایی در قفقاز می‌شود، مگر قفقاز جنوبی یک منطقه بی‌صاحب است که ترامپ آن را اجاره کند؟ قفقاز یکی از حساس‌ترین نقاط جغرافیایی دنیاست و این گذرگاه نه به دالانی در مالکیت ترامپ، بلکه به گورستانی برای مزدوران ترامپ تبدیل خواهد شد.»

زنگزور، کریدور باریک در جنوب ارمنستان، از مدت‌ها پیش به نقطه کلیدی رقابت‌های ژئوپلیتیک بدل شده بود. برای ایران، اهمیت این مسیر فقط در جغرافیا خلاصه نمی‌شود؛ این کریدور آخرین و تنها مرز زمینی ایران با ارمنستان است، خطی باریک اما حیاتی که تهران را به قفقاز و از آنجا به اروپا متصل می‌کند. از دست رفتن این مرز به معنای کاهش قدرت ژئوپلیتیک ایران، افزایش نفوذ ترکیه و ناتو در شمال غرب، و محدود شدن نقش ایران در ترانزیت بین‌المللی است. تهدیدات امنیتی نیز قابل توجه است. نزدیکی اسرائیل به مرزهای ایران از طریق همکاری‌های عمیق تر با جمهوری آذربایجان، چشم‌انداز جدیدی از فشارهای اطلاعاتی و نظامی را ترسیم می‌کند. در چنین شرایطی، تصمیم واشنگتن برای تبدیل زنگزور به یک «مسیر آمریکایی» می‌تواند موازنه قدرت در قفقاز را به ضرر ایران تغییر دهد. علی‌اکبر ولایتی مشاور رهبر انقلاب در واکنش به این رویداد مهم زبان به اعتراض گشود و اعلام کرد ایران مانع احداث کریدور آمریکایی می‌شود. «ایران با یادون روسیه مانع کریدور آمریکایی در قفقاز می‌شود، مگر قفقاز جنوبی یک منطقه بی‌صاحب است که ترامپ آن را اجاره کند؟ قفقاز یکی از حساس‌ترین نقاط جغرافیایی دنیاست و این گذرگاه نه به دالانی در مالکیت ترامپ، بلکه به گورستانی برای مزدوران ترامپ تبدیل خواهد شد.»

زنگزور، کریدور باریک در جنوب ارمنستان، از مدت‌ها پیش به نقطه کلیدی رقابت‌های ژئوپلیتیک بدل شده بود. برای ایران، اهمیت این مسیر فقط در جغرافیا خلاصه نمی‌شود؛ این کریدور آخرین و تنها مرز زمینی ایران با ارمنستان است، خطی باریک اما حیاتی که تهران را به قفقاز و از آنجا به اروپا متصل می‌کند. از دست رفتن این مرز به معنای کاهش قدرت ژئوپلیتیک ایران، افزایش نفوذ ترکیه و ناتو در شمال غرب، و محدود شدن نقش ایران در ترانزیت بین‌المللی است. تهدیدات امنیتی نیز قابل توجه است. نزدیکی اسرائیل به مرزهای ایران از طریق همکاری‌های عمیق تر با جمهوری آذربایجان، چشم‌انداز جدیدی از فشارهای اطلاعاتی و نظامی را ترسیم می‌کند. در چنین شرایطی، تصمیم واشنگتن برای تبدیل زنگزور به یک «مسیر آمریکایی» می‌تواند موازنه قدرت در قفقاز را به ضرر ایران تغییر دهد. علی‌اکبر ولایتی مشاور رهبر انقلاب در واکنش به این رویداد مهم زبان به اعتراض گشود و اعلام کرد ایران مانع احداث کریدور آمریکایی می‌شود. «ایران با یادون روسیه مانع کریدور آمریکایی در قفقاز می‌شود، مگر قفقاز جنوبی یک منطقه بی‌صاحب است که ترامپ آن را اجاره کند؟ قفقاز یکی از حساس‌ترین نقاط جغرافیایی دنیاست و این گذرگاه نه به دالانی در مالکیت ترامپ، بلکه به گورستانی برای مزدوران ترامپ تبدیل خواهد شد.»

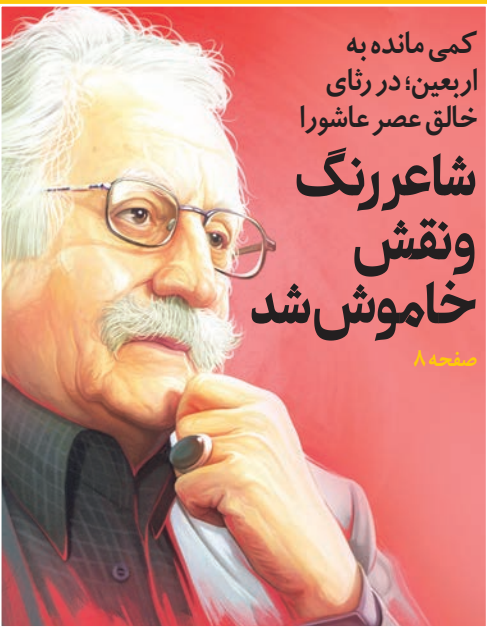
پیامدهای اقتصادی محدودیت زنگزور برای تجارت ایران

تغییر مسیر زنگزور و واگذاری کنترل آن به سازوکاری تحت نظارت آمریکا، تبعات اقتصادی سنگینی برای ایران به همراه خواهد داشت. این کریدور، به‌عنوان یکی از مسیرهای کلیدی ترانزیت منطقه‌ای، برای صادرکنندگان و واردکنندگان ایرانی نقش حیاتی داشته است. به‌عنوان مثال، یک صادرکننده زراعی که سالانه ده‌ها کانتینر محصول از این مسیر به بازارهای جهانی ارسال می‌کند،

با محدودیت‌های جدید با افزایش قابل توجه هزینه‌های حمل‌ونقل مواجه خواهد شد. برآوردها نشان می‌دهد که این محدودیت‌ها می‌تواند هزینه‌های حمل را تا ۳۰ درصد افزایش دهد که برای یک صادرکننده با حجم بالا به معنای زیانی چند صد میلیارد تومانی تنها در یک فصل تجاری است. این افزایش هزینه، صادرکنندگان را در دوراهی دشواری قرار می‌دهد زیرا یا باید بازارهای صادراتی خود را کنار بگذارند یا از حاشیه سود خود چشم‌پوشی کنند که هر دو گزینه به تضعیف جایگاه رقابتی ایران در بازارهای جهانی منجر می‌شود. واردکنندگان نیز از این تحولات بی‌تأثیر نخواهند ماند. برای نمونه، واردکنندگان نهاده‌های دامی که بخش قابل توجهی از نیازهای کشاورزی دامپروری کشور را تأمین می‌کنند، ناچار به استفاده از مسیرهای جایگزین خواهند بود. این تغییر مسیر، هزینه‌های حمل‌ونقل را به ازای هر تن کالا به میزان قابل توجهی افزایش می‌دهد. بر اساس برآوردها، یک واردکننده با حجم سالانه سی هزار تن نهاده دامی ممکن است متحمل هزینه‌های اضافی چند میلیارد تومانی شود. این افزایش هزینه، به‌طور مستقیم بر قیمت تمام‌شده محصولات وابسته مانند گوشت، مرغ و لبنیات در بازار داخلی اثر می‌گذارد و فشار مضاعفی بر مصرف‌کنندگان ایرانی وارد می‌کند. در مقیاس کلان، این محدودیت‌ها می‌تواند ضربه‌ای سنگین به اقتصاد ایران وارد کند. کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که تغییر مسیر زنگزور و کاهش دسترسی ایران به این کریدور ترانزیتی، ممکن است زیانی بالغ بر صدها میلیون دلار به اقتصاد کشور تحمیل کند. این زیان نه تنها به تجارت خارجی ایران آسیب می‌رساند، بلکه با تضعیف زنجیره تأمین داخلی، می‌تواند تورم را تشدید کرده و فشار اقتصادی بر خانوارهای ایرانی را افزایش دهد.

تهدید امنیتی ناشی از نزدیکی اسرائیل

همکاری نزدیک جمهوری آذربایجان با اسرائیل، موضوعی پنهان نیست. تل‌آویو در سال‌های اخیر با استفاده از خاک آذربایجان، عملیات اطلاعاتی علیه ایران را پیاده کرده است. حال، کنترل بیشتر آذربایجان بر مسیر زنگزور، به معنای گسترش این عمق استراتژیک خواهد بود. اگر اسرائیل بتواند زیرساخت‌های لجستیکی یا نظارتی خود را در نزدیکی این کریدور مستقر کند، ایران با تهدیدات صرفاً نظامی نیستند؛ عملیات سایبری گرفته تا جاسوسی صنعتی، همه می‌توانند از این موقعیت جغرافیایی بهره‌برند.



کمی مانده به
اربعین؛ در رثای
خالق عصر عاشورا
شاعر رنگ
ونقش
خاموش شد

صفحه ۸

روایت کارگران پتروشیمی از نشت، سوختگی، مرگ و بی‌پناهی

وقتی لوله‌ها جان‌هارامی گیرند

پتروشیمی برای بسیاری ثروت اما برای کارگران

شبیبه میدان مین است

صفحه ۶

بررسی روندی که سینما رفتن یا رفتن را مساله کرد

سینما رفتن، آداب رفته‌از یاد

تماشاگر به نمایش ناعادلانه اکران و پدیده سانس مرده

برای فیلم‌های کم مخاطب اعتماد نکرد

صفحه ۵



محمدحسین کتعمانی‌زادگان: بازی در استادبوم آزادی
حق پر سپولیس و هوادارانش است

برای قهرمانی می‌جنگیم
نه بازوبند کاپیتانی!

صفحه ۷

یادداشت

قابلیت تازه اینستاگرام و چالش امنیت کاربران

«نقشه دوستان» دوستی یا مزاحمت

وحید غفاری | زندگی در فضای مجازی شبیه زندگی در خانه‌ای شیشه‌ای است، خانه‌ای که شاید در آن راحت بنشینید، با دوستان تان از راه دور گفت‌وگو کنید، هر لحظه به دنیایی از اطلاعات دسترسی داشته باشید و حتی از آسایشی که فناوری فراهم کرده لذت ببرید، اما دیوارهایش آن قدر شفاف‌اند که هر کسی می‌تواند به درونش سرک بکشد. آسایش هست، بله، اما آرامش و امنیت؟ نه همیشه. با توجه به اینکه اینستاگرام از محبوب‌ترین اپلیکیشن‌ها در ایران است و میلیون‌ها کاربر فعال دارد، قابلیت جدید این اپلیکیشن برای ایرانیانی که از این پلتفرم استفاده می‌کنند، می‌تواند به شدت حیاتی و تعیین‌کننده باشد.

«نقشه دوستان» از ایده دوستانه تا دغدغه امنیت ایده‌ظاهری ساده است. کاربرانی که این قابلیت را فعال کنند، می‌توانند روی نقشه ببینند دوستانشان همین حالا کجا هستند. اگر پست یا استوری گذاشته باشید و محل آن را تگ کرده باشید، اینستاگرام به کسانی که اجازه داده‌اید نشان می‌دهد شما در همان نقطه حضور داشته‌اید. حتی اگر مکان بایی را برای تعداد محدودی از دنبال‌کنندگان فعال کنید، باز هم در اصل ماجرا تغییری ایجاد نمی‌شود: شما موقعیت واقعی خود را در اختیار یک پلتفرم و گروهی از افراد می‌گذارید که همیشه نمی‌توانید میزان اعتماد به آن‌ها را بسنجید. واکنش‌ها به معرفی «نقشه دوستان» خیلی زود شکل گرفت. بسیاری از کاربران در شبکه‌های اجتماعی نوشتند که این قابلیت را حتی خطرناک می‌دانند، به‌ویژه وقتی برخی گزارش کردند که پس از روز رزسانی برنامه، گزینه مربوط به آن به‌طور خودکار فعال شده بود. اینستاگرام گفته است که کاربران باید خودشان به‌طور دستی این قابلیت را روشن کنند، اما تجربه بعضی‌ها خلاف این ادعا را نشان می‌دهد. همین مسئله، نگرانی‌ها را دوچندان کرده، چون نشان می‌دهد کنترل واقعی روی این داده حساس شاید به سادگی که تصور می‌کنیم در دست ما نباشد.

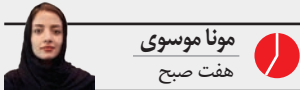
مرز باریک میان کاربرد و تهدید نمایش مکان دقیق می‌تواند پیامدهای جدی داشته باشد. وقتی دیگران بدانند که شما در یک محل خاص هستید، احتمال تعقیب و مزاحمت افزایش می‌یابد. ممکن است ناخواسته به‌ظنرم و بهایش را به چاه چیزی می‌پزایم؟

شнай سیاستگذار ایرانی بر خلاف جریان های جهانی

سدهایی که آب ندارند نان دارند

گزارش ها نشان می دهد با وجود خالی ماندن ظرفیت بیشتر سدها و تاثیر اندک آنها

در حل مشکل کم آبی کشور، پروژه های سدسازی همچنان در حال اجرا هستند



مونا موسوی

هفت صبح

اعتقاد داشتند که با اجرای پروژه های عمرانی بزرگ از راه درآمدهای نفتی، می توان خرابی های جنگ را بازسازی و ایران را در مسیر توسعه قرار داد. یکی از جلوه های این توسعه گرایی هم «نهضت سدسازی» در ایران معرفی شد با این هدف که نیازهای آبی کشور با مهار و جمع آوری آب های سطحی، پاسخ داده شود. با این حال، وضعیت این روزهای کشور و نیز تجربیات جهانی نشان می دهد که در عمل، بسیاری از این سدها، نه فقط به اهداف خود نمی رسند، بلکه باعث ایجاد گرفتاری های زیست محیطی نیز می شوند. موضوع اما وقتی عجیب تر می شود که بدانیم، با تمام این تفاسیر، پروژه های سدسازی در ایران، همچنان با قدرت در حال بلعیدن منابع بودجه کشور هستند.

لجاجت یا تعارض منافع؟

یکی از روش های کارآمد و اصولی برای عبور از بحران های داخلی، به خصوص دربارہ مباحث زیست محیطی و صنعت آب، توجه به تجربیات و راه حل های کارآمد و علمی مرتبط با حل این بحران هاست. وضعیت بهره برداری از سدها در بسیاری از کشورها در سالیان اخیر به خصوص با پررنگ شدن نقش تغییرات اقلیمی رو به وخامت بوده است. ایران نیز به عنوان کشوری با ریسک بالای اثرگذاری عوامل اقلیمی از جمله کاهش بارندگی در مقیاس وسیعی از کشور از این قاعده مستثنا نیست، بنابراین نیاز است این تجربیات و راه حل های موفق در حوزه مطالعات، ساخت و همچنین حوزه بهره برداری مورد توجه مدیران، سیاست گذاران و کارشناسان کشور قرار گرفته و پایدارترین راه حل ها متناسب با شرایط خاص کشور مورد بحث، بررسی و مطالعه قرار گیرد.

با این حال نتایج گزارش های منتشره اخیر نشان می دهد که با وجود خالی ماندن ظرفیت بیشتر سدها و تاثیر اندک آنها در حل مشکل کم آبی کشور، همچنان پروژه های سدسازی کشور، با قدرت و قوت در حال پیگیری و اجرا هستند. دلایل این لجاجت در تعقیب سیاست های شکست خورده، می تواند متعدد باشد اما نباید فراموش کرد که پروژه های سدسازی، جزو بزرگ ترین و گران ترین پروژه های عمرانی هستند که قطعا بسیاری از این محل را منتفع می کنند.

سد الفدیر

سد خدآفرین

سدزاینده رود

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند

سد کنوند



یادداشت

FATF؛ پرونده‌ای موازی با مذاکرات هسته‌ای سایه‌روشن‌های عبور از بن‌بست گروه اقدام مالی



تحولات اخیر در روابط ایران و گروه ویژه اقدام مالی (FATF) نشان می‌دهد که پس از سال‌ها توقف، مسیر گفت‌وگوهای مستقیم برای عادی‌سازی پرونده مالی کشور باز شده است. دعوت رسمی از رئیس مرکز اطلاعات مالی ایران به مذاکرات مادرید، در نگاه نخست یک رویداد فنی و تخصصی در حوزه مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم به نظر می‌رسد اما در واقعیت، این پرونده ماهیتی به‌شدت سیاسی و بین‌المللی دارد و از زاویه راهبردی باید آن را هم‌ردیف با مذاکرات هسته‌ای و بحث لغو تحریم‌ها ارزیابی کرد. در شرایطی که مذاکرات هسته‌ای پس از تجاوز اسرائیل و آمریکا در یک وضعیت شکننده قرار دارد و تهدید فعال شدن «مکانیزم ماشه» از جانب تروئیکا همواره بر سر ایران سایه افکنده است، خروج از فهرست سیاه FATF می‌تواند یک بازوی مکمل در مدیریت فشارهای بین‌المللی باشد. باقی ماندن در این فهرست به معنای استمرار اقدامات تقابلی بانک‌ها و نهادهای مالی بین‌المللی علیه ایران است؛ موضوعی که حتی در صورت رفع بخشی از تحریم‌ها نیز مانع بازگشت کامل ایران به شبکه مالی جهانی خواهد شد. به بیان دیگر، اگر گر FATF باز نشود، حتی گشایش‌های احتمالی در مذاکرات هسته‌ای هم در عمل خنثی خواهد شد.

ضرورت هم‌زمانی دیپلماسی هسته‌ای و مالی

تصویب و تودیع «کنوانسیون پالمو» و پیگیری فرآیند تصویب «CFT» نشانه‌هایی است از اینکه تهران به درک ضرورت تکمیل تعهدات فنی FATF رسیده است. این اقدامات صرفاً برای رفع یک الزام حقوقی نیست، بلکه بخشی از یک نقشه بزرگ‌تر برای کاهش ریسک‌های سیاسی و اقتصادی ایران در نظام بین‌الملل به شمار می‌آید. تجربه سال‌های اخیر نشان داده که نظام تحریم‌ها علیه ایران ساختاری چندلایه دارد که لایه اول مربوط به تحریم‌های شورای امنیت و ایالات متحده است و لایه دوم شامل محدودیت‌های خودخواسته نهادهای مالی بین‌المللی به دلیل نبود شفافیت مالی و باقی ماندن ایران در لیست سیاه FATF می‌شود. اگر لایه دوم فعال بماند، حتی در صورت تعلیق یا لغو بخشی از تحریم‌های لایه اول، امکان برقراری روابط بانکی پایدار با جهان وجود نخواهد داشت. بانک‌ها و شرکت‌های بزرگ به دلیل ریسک بالا و ترس از جریمه، همچنان از همکاری با ایران اجتناب خواهند کرد. بنابراین مسیر منطقی این است که سیاست‌گذار ایرانی هم‌زمان که در میز مذاکرات هسته‌ای برای تعلیق مکانیزم ماشه تلاش می‌کند، در میز FATF نیز برای تعلیق اقدامات تقابلی و نهایتاً خروج از فهرست سیاه برنامه‌ریزی کند. این دو مسیر در نهایت به یک مقصد مشترک یعنی بازگرداندن ایران به چرخه تعاملات اقتصادی جهانی منتهی می‌شوند.

پیامدهای راهبردی خروج از فهرست سیاه

تأثیر خروج از لیست سیاه FATF را نمی‌توان صرفاً در سطح مبادلات بانکی خلاصه کرد. این اقدام، پیام سیاسی و اقتصادی مهمی به جامعه جهانی مخابره می‌کند که ایران آماده تعامل شفاف و قانون‌مند در اقتصاد جهانی است. چنین سیگنالی می‌تواند بر فضای مذاکرات هسته‌ای نیز اثر مثبت بگذارد، چراکه به طرف‌های مقابل این اطمینان را می‌دهد که ایران صرفاً به دنبال رفع تحریم‌ها نیست، بلکه برای ایجاد بستر پایدار همکاری اقتصادی، قواعد بین‌المللی را می‌پذیرد. همچنین خروج از این فهرست می‌تواند در جلوگیری از فعال شدن مکانیزم ماشه نقش غیرمستقیم ایفا کند. کشورهایی که تاکنون به بهانه نبود شفافیت مالی، علیه ایران در مجامع بین‌المللی اجماع می‌کردند، در صورت رفع این بهانه، کار دشوارتری برای پیشبرد فشارهای چندجانبه خواهند داشت. علاوه بر این، پذیرش کامل تعهدات FATF می‌تواند مسیر جذب سرمایه‌گذاری خارجی، مشارکت در پروژه‌های مشترک منطقه‌ای و استفاده از ظرفیت بانک‌های توسعه‌ای را هموار کند؛ موضوعی که در شرایط رکود اقتصادی داخلی اهمیت دوچندان دارد. با این حال، چالش اصلی در این مسیر، ایجاد اجماع داخلی بر سر لزوم و چگونگی تعامل با FATF است. تجربه گذشته نشان داده که برخی جریانات سیاسی به دلیل نگرانی از محدود شدن دسترسی‌های غیررسمی مالی یا تضعیف برخی ابزارهای دور زدن تحریم‌ها، در برابر الحاق به کنوانسیون‌های تکمیلی مقاومت کرده‌اند اما اکنون که مذاکرات مستقیم آغاز شده و فرصت خروج از لیست سیاه فراهم آمده است، تأخیر یا تعلل می‌تواند هزینه‌های اقتصادی و دیپلماتیک سنگینی به همراه داشته باشد؛ در جمع‌بندی می‌توان گفت پرونده FATF دیگر یک موضوع فنی محدود به سیستم بانکی نیست، بلکه بخشی از معادله بزرگ‌تر روابط ایران با جهان به شمار می‌رود. هم‌زمانی دیپلماسی هسته‌ای و مالی، نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی استراتژیک است.

آگهی ماده ۳ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به اینکه هیات موضوع تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شهرآرا تهران بموجب رای صادره شماره ۱۴۰۳۰۳۶۰۳۰۱۰۸۰۰۰۰۲۴۲ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۲۵ مالکیت آقای میثم اصلاتی بالسنی متقاضی پرونده کلاسه ۱۰۸۰۰۰۰۰۰۱۴۰۳۱۱۴۴ در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۳۹/۱۴ متر مربع مفروز و مجزی شده از باقیمانده پلاک ۲۳۹۵ اصلی واقع در بخش ۱۰ تهران تأیید نموده است لذا مفاد آراء صدرالذکر با استناد ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می گردد تا در صورتیکه شخص یا اشخاص ذینفع به آراء صادره اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار این آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک شهرآرا تهران تسلیم و رسید دریافت دارند مضافاً اینکه معترض باید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مباردت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل وقوع ملک نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره تسلیم نماید، در این صورت اقدامات اداره ثبت موکول به رای دادگاه می باشد و در صورتیکه اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد و یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل وقوع ملک را ارائه ننماید اداره ثبت محل مباردت به صدور سند مالکیت می نماید بدیهی است صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمیشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۵/۱۹

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۵/۱۹

رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرآرا تهران —
کمال شاکری

شناسه آگهی ۱۹۶۸۵۷۱

واکاوی تصمیم رژیم صهیونیستی برای اشغال کامل غزه

نبرد سایه‌ها و گروگان‌ها در ساحل مدیترانه

فرماندهان ارتش هشدار داده‌اند که ورود به جنگ شهری در غزه به تلفات سنگین و بن‌بست نظامی منجر می‌شود



در مقابل، آمریکا که همواره حامی امنیتی و سیاسی اسرائیل بوده، این بار نیز ترجیح داده با ابزار دیپلماتیک از ورود شورای امنیت به این پرونده جلوگیری کند. واشنگتن بر این باور است که فشار بین‌المللی ممکن است دست اسرائیل را در میز مذاکره با حماس محدود کند، هرچند این رویکرد به قیمت نادیده گرفتن هشدارهای انسانی سازمان ملل تمام می‌شود.

ملاحظات امنیتی و چالش گروگان‌ها

در سطح داخلی اسرائیل، اختلاف نظر جدی میان رهبران سیاسی و نظامی درباره پیامدهای امنیتی اشغال شهر غزه شکل گرفته است. ژنرال «ایال زمیر» رئیس ستاد ارتش، در نشست کابینه هشدار داده که حمله به غزه می‌تواند جان حدود ۲۰۳۲ گروگان زنده را که در دست حماس هستند، به خطر بیندازد. از میان ۲۵۱ گروگان حادثه ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳، هنوز حدود ۵۰ نفر در غزه باقی مانده‌اند و گزارش‌ها نشان می‌دهد برخی از آنها به شدت دچار سوءتغذیه شده‌اند.

نگرانی دیگر به فرسایش توان نظامی اسرائیل بازمی‌گردد. دو سال جنگ مداوم در غزه و مرزهای شمالی، نیروهای ارتش را تحت فشار قرار داده و عملیات جدیدی می‌تواند این فشار را به نقطه بحرانی برساند. حتی برخی فرماندهان سابق ارتش هشدار داده‌اند که ورود به جنگ شهری در غزه که پیچیدگی بالایی دارد، ممکن است به تلفات سنگین و بن‌بست نظامی منجر شود. براساس اطلاعات یک منبع اسرائیلی، تصویب کابینه امنیتی اسرائیل برای گسترش جنگ در غزه شامل بیش از یک مرحله است. به نوشته سی‌ان‌ان، مهلت برای مرحله اول عملیات که شامل «تخلیه شهر غزه» و گسترش توزیع کمک‌هاست، ۱۷ اکتبر (۱۵ مهر) تعیین شده است. این تاریخ به‌طور عمدی به دلیل نمادگرایی آن انتخاب شده، زیرا ۱۷ اکتبر ۲۰۲۵، دومین سالگرد حمله‌ای است که توسط حماس انجام شد و جنگ اسرائیل در غزه را به دنبال داشت. از سوی دیگر، طرح نتانیاهو برای واگذاری اداره شهر به «نیروهای عربی همسو» پس از پاکسازی، ابهامات زیادی دارد. تجربه‌های گذشته در جنوب لبنان و کرانه باختری نشان داده که ساختارهای امنیتی وابسته، در صورت عدم مقبولیت مردمی، به سرعت به کانون‌های بحران بدل می‌شوند. حماس نیز با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرده مردم غزه در برابر هر گونه اشغال ایستادگی خواهند کرد و استقرار نیروهای عربی تحت نفوذ اسرائیل را آغاز بحرانی تازه دانسته است.

بحران انسانی؛ خط قرمز نادیده گرفته شده

حسین فاطمی هفت صبح

تصویب طرح اشغال کامل شهر غزه در کابینه امنیتی – سیاسی بنیامین نتانیاهو موجی از واکنش‌های بین‌المللی، هشدارهای انسانی و نگرانی‌های امنیتی را برانگیخته است. این تصمیم که پس از یک نشست ۱۰ ساعته و در بحوه جنگ ۲۲ ماهه با حماس اتخاذ شد، نه‌تنها نشان‌دهنده تغییر تاکتیکی در راهبرد اسرائیل در نوار غزه است، بلکه آزمونی جدی برای توان دیپلماتیک قدرت‌های جهانی و ساختارهای بین‌المللی محسوب می‌شود. با وجود مخالفت شماری از مقامات نظامی اسرائیل، انتقاد خانواده‌های گروگان‌ها، هشدار سازمان ملل و محکومیت‌های گسترده، نتانیاهو تأکید دارد که تنها با افزایش فشار نظامی می‌توان حماس را به پذیرش شروط اسرائیل وادار کرد اما این تصمیم درست در زمانی اعلام شد که بحران انسانی در غزه به مرحله‌ای هشداردهنده رسیده و خط قطعی فراگیر، جان صدها هزار غیرنظامی را تهدید می‌کند.

صفت‌بندی جهانی؛ از مخالفت آشکار چین و فرانسه تا مانع تراشی آمریکا

تصمیم تل‌آو به سرعت به یک موضوع داغ در شورای امنیت سازمان ملل تبدیل شد. بنا بر گزارش منابع دیپلماتیک، ۹ کشور از جمله چهار عضو دائم شورای امنیت خواستار تشکیل جلسه فوری برای بررسی این طرح شدند؛ در حالی که ایالات متحده آشکارا تلاش می‌کند مانع از برگزاری آن شود. چین در موضع‌گیری صریح خود، غزه را بخشی جدایی‌ناپذیر از سرزمین‌های فلسطینی دانسته و توقف فوری این اقدام را خواستار شد. پکن با تأکید بر راهکار دو دولتی، آتش‌بس را تنها مسیر کاهش بحران انسانی معرفی کرده و از آمادگی برای همکاری با جامعه جهانی برای حل پایدار مسئله فلسطین خبر داده است.

در اروپا نیز، وزیر خارجه فرانسه «ژان نوئل بارو» این طرح را به شدت محکوم کرده و هشدار داده که اجرای آن بدون آزادی اسرا و خلع سلاح حماس، شرایط فاجعه‌بار کنونی را تشدید خواهد کرد. نخست‌وزیر انگلیس کی‌یر استارمر نیز تصمیم اسراویل را «شتباه» خوانده و خواستار بازنگری فوری شده است. همچنین به دنبال برنامه اسرائیل برای اشغال غزه، بلژیک سفیرش را فراخواند و آلمان هم صادرات تسلیحاتش را متوقف می‌کند.

گزارش

پل‌های نیم‌سوخته میان دهلی و واشنگتن

نگاهی به تنش تجاری و سیاسی دهلی‌نو – واشنگتن

آیا دولت آمریکا می‌تواند از سیاست جنگ تعرفه‌ای علیه هند دست بردارد

به اسلام‌آباد، نوعی پیام دوگانه و غیرقابل اعتماد از سوی آمریکا بود.

با این وضعیت، هند در واکنش، طرح‌های خرید تسلیحات آمریکایی را متوقف کرد و حتی سفر برنامه‌ریزی‌شده وزیر دفاع خود به واشنگتن را لغو کرد. این تصمیم در عمل یک پیام دیپلماتیک آشکار داشت که دهلی‌نو حاضر است حتی قراردادهای میلیارد دلاری دفاعی را معلق کند تا جایگاه چانه‌زنی خود را بازسازی کند.

موازنه‌گر آسیایی؛ تغییر تاکتیک مودی در روابط بین‌الملل

سیاست خارجی مودی به عنوان نخست‌وزیر هند طی سال‌های اخیر مبتنی بر ایده «چندجانبه‌گرایی انعطاف‌پذیر» بوده؛ یعنی دهلی‌نو به جای پیروی از یک محور قدرت، تلاش می‌کند روابط خود را در چند جبهه حفظ و مدیریت کند. تجربه اخیر با واشنگتن بار دیگر نشان داد که این رویکرد برای هندی‌ها صرفاً یک شعار نیست، بلکه یک ابزار واقعی در تصمیم‌گیری است.

مودی می‌داند که وابستگی بیش از حد به یک قدرت بزرگ، به‌خصوص در شرایط پر نوسان سیاست جهانی، می‌تواند به محدود شدن

فضای مانور دیپلماتیک بینجامد. در نتیجه، هم‌زمان با کند شدن روابط با آمریکا، او بر گسترش روابط با دیگر بازیگران کلیدی از جمله روسیه، اتحادیه اروپا و حتی برخی کشورهای جنوب شرق آسیا تأکید دارد.

نمونه روشن این موازنه‌سازی را می‌توان در تماس تلفنی اخیر مودی با ولادیمیر پوتین دید. این گفت‌وگو نه‌تنها بعدی نمادین داشت، بلکه پیام روشنی به واشنگتن فرستاد که هند قصد ندارد در فضای رقابت روسیه و آمریکا، صرفاً به عنوان یک هم‌پیمان یکجانبه رفتار کند. در یافت مستقیم اطلاعات از پوتین درباره اوکراین، قدردانی مودی و تأکید او بر راه‌حل دیپلماتیک، همگی در چارچوب دیپلماسی «چندصدایی» هند معنا پیدا می‌کند. این مسیر، هند را در جایگاهی قرار می‌دهد که بتواند هم در بازار تسلیحات روسیه سهم داشته باشد، هم در پروژه‌های فناوری با غرب همکاری کند و هم با بازیگران منطقه‌ای مانند ژاپن و استرالیا وارد شراکت‌های راهبردی شود.

آینده روابط دهلی – واشنگتن؛ از تقابل تاکتیکی تا بازتعریف همکاری

اگرچه تنش‌های اخیر باعث ایجاد سردی محسوس در روابط هند و آمریکا شده اما بعید

ایجاد انسانی این تصمیم، شاید مهم‌ترین بخش ماجرا باشد. آمار وزارت بهداشت غزه نشان می‌دهد که تاکنون بیش از ۶۱ هزار نفر در حملات اسرائیل شهید و ۱۵۲ هزار نفر زخمی شده‌اند. ادامه عملیات و تصرف شهر غزه می‌تواند ده‌ها هزار نفر دیگر را آواره کند، مسیر کمک‌رسانی به مناطق گرفتار قحطی را ببندد و بحران گرسنگی را به مرحله غیرقابل بازگشت برساند.

سختگوی دبیر کل سازمان ملل، «فرحان حق» با لحنی تند هشدار داده که این تصمیم «فاجعه را عمیق‌تر و رنج غیرنظامیان را افزایش خواهد داد.» او تأکید کرده که از سال کمک‌های هوایی به غزه، به دلیل خطر بالای جانی برای مردم، جایگزین مسیرهای زمینی امن نمی‌شود و آتش‌بس فوری تنها راه تضمین دسترسی به کمک‌ها و آزادی گروگان‌هاست.

این بحران فقط به ابعاد انسانی محدود نمی‌شود، بلکه پیامدهای سیاسی و امنیتی گسترده‌ای نیز دارد. تشدید آوارگی، گسترش بیماری‌ها و مرگ ناشی از گرسنگی، می‌تواند زمینه‌ساز افراط‌گرایی بیشتر و شعله‌ور شدن خشونت در نسل‌های آینده شود؛ عاملی که حتی برخی متحدان غربی اسرائیل نیز نسبت به آن هشدار داده‌اند.

بن‌بستی با هزینه‌های سنگین

اما این مسیر با موانع جدی روبه‌روست؛ مخالفت بخشی از جامعه جهانی، هشدار متحدان غربی، اختلافات درون اسرائیل، خطر گروگان‌ها، فرسایش توان ارتش و بحران انسانی رو به گسترش. در سطح بین‌المللی، این تصمیم می‌تواند شکاف‌های دیپلماتیک را عمیق‌تر و اعتبار ساختارهای چندجانبه مانند شورای امنیت را به چالش بکشد؛ به‌ویژه اگر آمریکا همچنان در مسیر جلوگیری از مداخله این نهاد حرکت کند. در نهایت، به نظر می‌رسد اشغال غزه، حتی اگر از نظر نظامی امکان‌پذیر باشد بدون یک استراتژی روشن برای «روز بعد» و بدون توافق سیاسی فراگیر، نه‌تنها امنیت اسرائیل را تضمین نمی‌کند، بلکه خطر ورود منطقه به چرخه‌ای جدید از خشونت و بی‌ثباتی را به همراه خواهد داشت.

اسرا ییل تلاش می‌کند با فشار حداکثری، حماس را به پذیرش شروط خود وادار کند. این اقدام به‌منابه نمایش قدرت برابر مخالفان داخلی و پاسخ به انتقادات درباره طولانی شدن جنگ است

اسرا ییل تلاش می‌کند با فشار حداکثری، حماس را به پذیرش شروط خود وادار کند. این اقدام به‌منابه نمایش قدرت برابر مخالفان داخلی و پاسخ به انتقادات درباره طولانی شدن جنگ است

نظریه‌ور و اهمیت هند در معادلات انرژی و فناوری، همه عواملی هستند که آمریکا را ناگزیر می‌کند تا به بازسازی پل‌های ارتباطی با دهلی‌نو بپردازد. اما پرسش این است که آیا دولت آمریکا حاضر خواهد بود از سیاست تعرفه‌ای و برخی رویکردهای فشارمحور دست بردارد یا خیر.

در نهایت، روابط هند و آمریکا وارد دوره‌ای شده که شاید بتوان آن را «همکاری با فاصله» نامید؛ وضعیتی که در آن، دو طرف ضمن حفظ چارچوب کلی روابط، به دنبال کاهش سطح وابستگی و افزایش انعطاف در انتخاب شرکای خود هستند. تماس اخیر مودی با پوتین، نشانه‌ای از این تغییر فاز است؛ تغییری که اگر ادامه یابد، می‌تواند الگوی جدیدی از تعامل قدرت‌های میانه‌ب را بر قدرت‌ها را به نمایش بگذارد.

از منظر دهلی‌نو، روابط آینده باید بر پایه احترام به منافع متقابل و اجتناب از فشارهای یکجانبه شکل بگیرد. توقف خریدهای دفاعی و ایجاد کانال‌های فعال با مسکو، بخشی از تاکتیک مودی برای ارسال این پیام است که هند تنها در صورتی حاضر به ادامه همکاری است که در تصمیمات کلان خود استقلال داشته باشد. برای واشنگتن نیز حفظ روابط با هند نه فقط یک انتخاب، بلکه یک ضرورت ژئوپلیتیک است. بی‌اعتمادی به چین، نیاز به بازارهای





سلطنت پنهان گربه‌ها

گربه‌ها هم روز جهان دارند!

۶۰ درصد از مردم ترجیح می دهند شب آرامی را با گربه‌های شان بگذرانند

در حالی که جهان در روز ۱۸ مرداد ۱۴۰۴ (مطابق با ۸ اوت ۲۰۲۵) روز جهانی گربه را جشن می گیرد، این روز فرصتی است تا به جذابیت پررموز و تاریخچه غنی این موجودات دوست‌داشتنی پرداخته شود. از زمان پرستش آنها در مصر باستان تا جایگاه امروزی شان به‌عنوان نماد فرهنگ عامه، گربه‌ها همواره جایگاه ویژه‌ای در قلب انسان‌ها داشته‌اند. نظرسنجی اخیر که توسط سازمان‌های بین‌المللی مراقبت از حیوانات انجام شده، حقایق جالبی درباره ارتباط عاطفی انسان‌ها با گربه‌ها آشکار کرده است. براساس این نظرسنجی، ۶۰ درصد از مردم در سراسر جهان ترجیح می دهند یک شب آرام را به‌تنهایی با گربه خود بگذرانند، در حالی که تنها ۴۰ درصد شریک زندگی‌شان را در مقابل گربه انتخاب می کنند.

همچنین، از جمعیت جهانی تخمینی ۶۰۰ میلیون گربه، حدود ۳۰۰ میلیون آنها صاحب سرپرست هستند که نشان‌دهنده علاقه وافر بشر به این حیوان است. جالب‌تر اینکه ۳۰ درصد از صاحبان گربه‌ها در جهان، این حیوانات را بهترین دوستان خود می‌دانند و ارتباط عاطفی عمیق خود با آنها را تأیید می کند. در بخش دیگری از این نظرسنجی، به سؤال کلاسیک «یا شما طرفدار گربه هستید یا سگ؟» پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد که ۳۸ درصد از مردم جهان «طرفدار گربه» هستند، ۴۲ درصد «طرفدار سگ»، ۱۵ درصد هر دو را به یک اندازه دوست دارند و تنها ۵ درصد هیچ علاقه‌ای به حیوانات نشان نمی‌دهند. این تنوع در ترجیحات، فرهنگ‌های گوناگون را در رابطه با حیوانات خانگی منعکس می کند و نشان می‌دهد که گربه‌ها همچنان جایگاه محکمی در جهان دارند.

نگهداری از گربه‌ها، با وجود جذابیت‌شان، نیازمند هزینه‌هایی است که بسته به منطقه متفاوت است.



عکس روز

گنجینه‌های نجات یافته غزه

نمایشگاه پاریس با بیش از ۱۰۰ اثر باستانی از ۵ هزار سال تاریخ غزه پرده برمی‌دارد

در میانه خبرهای تلخ جنگ و قحطی، پاریس میزبان روایتی است که بوی خاک کهن و نسیم مدیترانه را با هم در خود دارد. نمایشگاه «گنجینه‌های نجات‌یافته غزه» در انستیتو ندیای عرب، بسا صف‌های طولانی بازدیدکنندگان از روز نخست افتتاح، به یکی از رویدادهای فرهنگی پر بازدید تابستان ۲۰۲۵ بدل شده است. از زمان گشایش در اوایل ژوئیه، بیش از ۴۰ هزار نفر پا به سالن‌های آن گذاشته‌اند تا سفری را آغاز کنند که بیش از ۵ هزار سال تاریخ فرهنگی، تجاری و هنری این نوار ساحلی کوچک‌اما پرآوازه را مرور می کند.

چهارراه تمدن‌ها

موقعیت استراتژیک غزه بر کرانه شرقی مدیترانه، قرن‌ها آن را به نقطه تلاقی کاروان‌های آسیایی و آفریقایی بدل کرده بود. این سرزمین در دوره‌های مختلف، از فلسطینی‌ها و آشوری‌ها گرفته تا ایرانیان هخامنشی، یونانیان، رومیان، بیزانسی‌ها، اعراب مسلمان و ممالیک، همگی بر خاکش ردپا گذاشته‌اند. آثار به نمایش درآمده، شامل ۱۲۰ شیء تاریخی است: تندیس‌های مرمرین، چراغ‌های روغنی، سفالینه‌های رنگین، کتیبه‌های حکاکی‌شده، قطعات مرمر وارداتی از یونان و ایتالیا و موزاییک بزرگ‌اِسنی عظیمی به وسعت ۲۵ متر مربع که طرح‌های گیاهی و هندسی‌اش همچنان رنگ تازه دارد.

تعبید ۱۷ساله گنجینه‌ها

اغلب این آثار، از سال ۲۰۰۷ در انبارهای امن سوئیس نگهداری می‌شدند. پس از نمایش آن سال در موزه هنر و تاریخ ژنو، اوج‌گیری بحران امنیتی، بازگرداندن شان به غزه را غیرممکن کرد. به گفته السودی بوفار، برگزارکننده نمایشگاه، همین تعبید ناخواسته باعث شد گنجینه‌ها از نابودی در بمباران‌های سال‌های اخیر در امان بمانند. او می‌گوید: «این اشیا ۱۷ سال پنهان ماندند، از چشم مردم دور بودند و حالا فرصتی دوباره یافته‌اند که داستان‌های‌شان را بازگو کنند.»

سرگذشت یک الهه غرق‌شده

ستاره بی‌رقیب نمایشگاه، تندیس مرمرینی به

ارتفاع ۴۰ سانتی‌متر است که به باور کارشناسان، با «فرودیت»، الهه عشق و زیبایی است یا «هکاته»، الهه جادو. این مجسمه در اوایل قرن پنجم میلادی، در جریان مسیحی‌سازی اجباری غزه از معبدش ربوده و به دریا افکنده شد. ۱۵ قرن بعد، صیادی محلی آن را از آب‌های «بلاخیه»، محله‌ای که امروز به دست جنایتکاران اسرائیلی ویران شده، بالا کشید و به یک مجموعه‌دار فلسطینی سپرد. این اثر طی سال ۲۰۰۷ و همزمان با تلاش‌ها برای احداث نخستین موزه باستان‌شناسی غزه که هرگز به ثمر نرسید، در ژنو به نمایش در آمد. بوفار با نگاهی به تندیس می‌گوید: «او هنوز منتظر است به خانه بازگردد.»

غزه فراتر از تراژدی معاصر

یکی از اهداف اصلی این نمایشگاه، به گفته بوفار، «بازگرداندن انسانیت و هویت تاریخی به غزه» است.



او هشدار می‌دهد که تمرکز صرف بر تراژدی‌های امروز، تصویری ناقص و محدود ایجاد می‌کند: روزگاری یکی از بازترین و پربرونق‌ترین نقاط مدیترانه بود، سرزمینی که جشن، تجارت، علم و فرهنگ در آن جاری بود.»

یادآوری در دل بحران

بخش پایانی نمایشگاه، تصاویر و مستندات تخریب سایت‌های تاریخی غزه از سال ۲۰۲۳ را به نمایش گذاشته است؛ از بندر باستانی آنتدون که نخستین بندر ثبت‌شده غزه به‌شمار می‌رفت تا مساجد، کلیساها و بناهای تاریخی. جک لانگ، رئیس انستیتو ندیای عرب و وزیر پیشین فرهنگ فرانسه، در مراسم گشایش گفت: «هیچ چیز خطرناک‌تر از فراموشی نیست. این نمایشگاه تلاشی می‌کند امید را به آینده غزه تزریق کند.» نمایشگاه «گنجینه‌های نجات‌یافته غزه» تا ۲ نوامبر ۲۰۲۵ در پاریس ادامه خواهد داشت.



فیگاریو فرانسه، عکس اصلی خود را به تانک‌های ارتش جنایتکار اسرائیل اختصاص داد که برای حمله مجدد به شهر غزه به منظور تصرف آن آماده می‌شوند و این کار را خلاف تمام قوانین بین‌المللی ارزیابی کرد.

مورنینگ استار انگلیس با اشاره به دستور فردریش مرنس، صدراعظم آلمان مبنی بر توقف صادرات تسلیحات به اسرائیل، تعلل کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر انگلیس در وضع قانونی مشابه را خجالت‌آور دانست.



چهار روز

جیم لاؤل، فضانورد افسانه‌ای ماموریت آپولو ۱۳ که در سال ۱۹۷۰ با شجاعت و مهارت، سفینه‌ای آسیب‌دیده را به زمین بازگرداند، در ۹۷سالگی درگذشت. ماجرا از این قرار است که پس از انفجاری در سفینه آپولو ۱۳ در فاصله صدها هزار مایلی زمین، لاؤل و دو فضانورد دیگر با چالش مرگ و زندگی روبه‌رو شدند. میلیون‌ها نفر در سراسر جهان بازگشت نفسگیر آنها به اقیانوس آرام را از تلویزیون تماشا کردند. لحظه‌ای که به یکی از نمادین‌ترین رویدادهای تاریخ فضانوردی تبدیل شد. از این رو، ناسا او را قهرمانی توصیف کرد که فاجعه‌ای بالقوه را به موفقیتی تاریخی تبدیل کرد. لاؤل که در ماموریت آپولو ۸ نیز حضور داشت، اولین انسانی بود که دو بار به سوی ماه سفر کرد اما هرگز روی آن قدم نگذاشت. تام هنکس که در فیلم «آپولو ۱۳» در نقش لاؤل بازی کرد، او را فردی دانست که «ما را به جاهایی برد که به تنهایی جرأت رفتن نداشتیم».

پنگه دنیا

دیدار در سرزمین یخ

ملاقات ترامپ و پوتین برای ۲۴ مرداد در آلاسکا برنامهریزی شده است؛ جایی که ۱۵۸ سال پیش و تنها با ۷ میلیون دلار از روسیه به آمریکا فروخته شد



دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، اعلام کرده است که روز ۱۵ اوت (۲۴ مرداد) در ایالت آلاسکا با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، گفت‌وگو خواهد کرد. او این نشست را بخشی از تلاش‌هایش برای پایان دادن به جنگ اوکراین خوانده است. انتخاب آلاسکا به‌عنوان محل دیدار، از همان لحظه انتشار خبر، بحث‌برانگیز شد؛ چرا که این سرزمین یخ‌ده روزگاری بخشی از خاک روسیه بود و فروشش در قرن نوزدهم هنوز هم در حافظه تاریخی روس‌ها مثل زخمی باز باقی مانده است. این ماجرا را کنار این حقیقت بگذاریم که ولادیمیر پوتین با تکیه بر ملی‌گرایی و ضدیت با غرب، به دنبال احیای «امپراتوری» روسیه است. او خود را با پتر کبیر مقایسه کرده و توسعه‌طلبی را در پیش گرفته، مانند الحاق کریمه در ۲۰۱۴ و حمله به اوکراین در ۲۰۲۲. در دی‌ماه ۱۴۰۲، پوتین فرمانی برای شناسایی و حفاظت از املاک تاریخی روسیه، از جمله امپراتوری سابق و

شوروی، امضا کرد. هرچند نامی از آلاسکا برده نشد، رسانه‌های آمریکایی این اقدام را مرتبط با آلاسکا دانستند. دیمیتری مدودف، نیز در پستی طنزآمیز در ایکس نوشت که روسیه منتظر بازگشت آلاسکاست و «جنگ اجتناب‌ناپذیر است»، اما با ایموجی خنده‌نشان داد که شاید شوخی کرده است. به نظر می‌رسد دونالد ترامپ با انتخاب آلاسکا برای محل دیدارش با پوتین، قصد دارد به او نشان دهد که دست بالاتر را دارد و کمی همتای روسی خود را برنجانند.

از امپراتوری تا معامله قرن

در دهه ۱۸۶۰، امپراتوری روسیه حال‌روز خوبی نداشت. شکست در جنگ کریمه (۱۸۵۳ تا ۱۸۵۶) خزانه را خالی کرده بود و اداره یک مستعمره دورافتاده در آن سوی اقیانوس آرام پرهزینه و دشوار شده بود. آلاسکا در آن زمان نه خطوط راه‌آهن داشت، نه شهرهای پربرونق؛ زمستان‌های طولانی، یخبندان‌های سنگین و جمعیتی اندک، آن را برای دربار تزار باری بر دوش جلوه می‌داد. وزیر امور خارجه روسیه، الکساندر گورتچاکوف و سفیر روسیه در واشنگتن، ادوارد دو استوکل، پیشگامان طرح فروش بودند. آن‌ها معتقد بودند که فروش این سرزمین به آمریکا، هم درامد فوری به همراه دارد و هم مانع از افتادن آن به دست بریتانیا، یعنی رقیب دیرینه روسیه در اقیانوس آرام، می‌شود. پس از مذاکراتی که چند ماه طول کشید، قراردادی در ۳۰ مارس ۱۸۶۷ میان ولیمام بورد، وزیر امور خارجه آمریکا و استوکل امضا شد. قیمت این قرارداد ۷ میلیون و ۲۰۰ هزار دلار اعلام شد، چیزی حدود دو سنت برای هر هکتار.



زخمی که هنوز التیام نیافته

اگرچه روسیه در اسناد رسمی هیچ‌گاه ادعای مالکیت بر آلاسکا را بازنگرده است، اما گهگاه سیاستمداران این کشور، چه در لحن شوخی و چه در جدیت، از «بازگشت آلاسکا» سخن گفته‌اند. البته ولادیمیر پوتین در

یک سخنرانی فروش این منطقه را به آمریکا، بی‌اهمیت جلوه داد. او در سال ۲۰۱۴ در پاسخ به سؤالی در مورد اینکه آیا برنامه‌ای برای الحاق آلاسکا به روسیه دارد یا خیر، گفته بود آلاسکا ارزش اتحاد مجدد با روسیه را ندارد زیرا هوادر آنجا بسیار سرد است. اما برخی از متحدان او می‌گویند در شرایط کنونی مسکو ممکن است این موضوع را به عنوان یک اختلاف ارضی دوباره مطرح کند. تصور اینکه بر مبنای نظم بین‌المللی امروز و ارزش‌های حاکم بر جامعه بین‌المللی، روسیه بتواند آلاسکا را تصاحب کند، بسیار دور از ذهن است. ایالات متحده برخلاف کشورهایی مانند اوکراین یا گرجستان، یک قدرت اتمی، عضو ثابت شورای امنیت و مهم‌ترین قدرت نظامی ناتو محسوب می‌شود و ضربه زدن به تمامیت ارضی چنین کشوری، در دنیای امروز بسیار دشوار است. اما در عالم سیاست هیچ چیز غیرممکن نیست، خصوصاً اگر یک سیاستمدار جاه‌طلب مانند ولادیمیر پوتین به دنبال این هدف باشد.



ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



لهجه‌ای که رویای هالیوودی متیو مک‌کانهی را بر باد داد

در افشاگری‌ای که هواداران سینما را شگفت‌زده کرده، تهیه‌کننده فکید «تایتانیک» جان لاندو، در کتاب خاطراتش پرده از دلیل رد شدن متیو مک‌کانهی، ستاره برنده اسکار، برای نقش «جک داسن» در فیلم جنجالی و پربیننده «تایتانیک» برداشت. این فیلم به کارگردانی جیمز کامرون نه‌تنها پرفروش‌ترین اثر زمان خود شد، بلکه لئوناردو دی‌کاپریو و کیت وینسلت را به ستارگان جهانی تبدیل کرد. لاندو در کتایش می‌نویسد: «متیو را برای تست بازیگری در کنار کیت وینسلت دعوت کردیم تا شیمی بین آنها را بررسی کنیم. متیو با لهجه جنوبی و آرایش خاص خود بازی کرد و صحنه جذاب بود. اما وقتی جیمز کامرون از او خواست سبک دیگری را امتحان کند، متیو با اطمینان گفت: «نه، همین خوب بود!» و همان لحظه، شانس بازی در نقش جک را از دست داد.» از سوی دیگر، لئوناردو دی‌کاپریو هم در ابتدا تمایلی به این نقش نداشت. کامرون در مصاحبه با مجله «جی‌کیو» فاش کرد که دی‌کاپریو با تست بازیگری امتناع کرده و نقش را «ملال‌آور» می‌دانست. او گفت: «لئو فکر می‌کرد فقط برای ملاقات با کیت آمده، نه تست دادن! وقتی گفتیم باید فیلمنامه‌خوانی کند، گفت: «من تست نمی‌دم!» اما با اصرار من پذیرفت و وقتی فهمید این نقش چالش‌ی بزرگ است، آن را قبول کرد.»

پنج‌روز





روایت کارگران پتروشیمی از نشت، سوختگی، مرگ و بی پناهی

وقتی لوله ها جان هارامی گیرند

پتروشیمی برای بسیاری ثروت اما برای کارگران شبیه میدان مین است

پیام عابدی
هفت صبح



است از زیستی در سایه مرگ؛ زیستی میان بخار، ترس، آمار و سکوت.

❖ **صحنه اول: ورود کامیون،**

سایه بر دل ناصر

از لحظه‌ای که کامیون زرد از پیچ اسکله می‌پیجد و سایه‌اش روی آسفالت داغ می‌افتد، ناصر دلش شور می‌افتد. «امروز نوبت واحد متانول است...» با خودش تکرار می‌کند و دست می‌برد روی ریش جوگندمی‌اش که در این سال‌ها، بی‌آنکه بفهمد، از سیاهی به خاکستری رسیده. صدای سوت بخار از فاصله چند متری می‌آید؛ بخاری که بوی گاز و ترس دارد. برای ناصر و رفقایش، پتروشیمی مثل یک حیوان پیر و بیمار است. صدای نفس‌هایش دیگر یکنواخت نیست، گاهی خس‌خس می‌کند، گاهی از ته گلویش چیزی غریبن می‌گیرد. ناصر می‌گوید: «ما دیگه به صداها هم حساسیم. می‌فهمیم کی خط لوله داره گریه می‌کنه.» ۳۰ سال است که اینجا کار می‌کند. لوله‌هایی را می‌شناسد که حتی مهندس‌ها هم دقیق‌شان را نمی‌دانند اما حالا بیشتر از هر زمان دیگری، می‌ترسد. نه از انفجار، بلکه از اینکه بعد از انفجار کسی به خانواده‌اش نگوید: «ناصر تقصیر نداشت». تجربه‌اش را با کسی تقسیم نمی‌کند؛ فقط مثل حس بوی نم، توی تنش مانده.

❖ **صحنه دوم: راحله و حادثه‌ای که به خانه رسید**

چهار سال پیش، نشت گاز در یکی از واحدها، شوهر راحله را برای همیشه عوض کرد. حالا او نمی‌تواند درها را باز کند، بچه‌اش را بغل کند یا حتی شمع تولد دخترش را فوت کند. دیگر دست‌هایش از شدت سوختگی، فرمان نمی‌گیرند. راحله با نگاهی که خستگی در آن نه‌نشین شده، می‌گوید: «هیچ کس نیومد بگه چرا اون لوله ترکیده بود. گفتن خطای انسانی

بود... ولی انسان اگه ابزار درست نداشته باشه، چه کار می‌تونه بکنه؟» او هر شب، ماسک اکسیژن شوهرش را چک می‌کند و صبح‌ها با صدای خرخر سینه‌اش از خواب می‌پرد. «ما دیگه با صداها زندگی می‌کنیم؛ صداهایی که یادآوری می‌کنن چه چیزی رو از دست دادیم.» خانه‌شان حالا فقط سقف داره؛ نه خواب، نه آرامش. دختر کوچک‌شان هنوز فرق بین صدای کتری و انفجار را نمی‌فهمد. در این خانه، بخار دشمن است.

❖ **صحنه سوم: مر ترضی و ساز و کارهای ناکارآمد**

مجمع پتروشیمی مثل شهری ست با هزار کوچه پیچ‌در پیچ. اما فقط کارگران قدیمی می‌دانند کدام کوچه‌ها دیگر «راه امن» نیست. مر ترضی که حالا ۵۱ساله شده و موهایش زیر کلاه ایمنی برق می‌زند، می‌گوید: «ما خودمون علامت‌گذاری می‌کنیم... مثلاً فلان فلنج رو رومز کردیم چون قبلاً نشت داده.» او از مهندس‌هایی می‌گوید که تازه فارغ‌التحصیل شده‌اند، با لیپ‌تاپ می‌ایند، چک‌لیست دارند اما گوش ندارند. «اونا نشتر و با چشم نمی‌بینن ولی ما با پوست حس می‌کنیم.» فاصله میان قفل تئوریک و تجربه حسی، گاهی فقط یک جرقه است. مر ترضی روایت می‌کند که یک بار مهندس جوانی به جای «شیر اضطراری»، لوله آب گرم را بست؛ چون علامت‌گذاری‌اش غلط بود. اگر آن روز دست یکی از کارگرها روی فلنج بود، حالا استخوانش هم باقی نمی‌ماند.

❖ **صحنه چهارم: رضا و زمان و پوسیدگی**

بیشتر پتروشیمی‌های جنوب، سه دهه از عمر شان گذشته. بعضی لوله‌ها حتی دیگر نقشه ندارند. بازرسی‌ها؟ گاهی نمایشی. «رضا» بازرس

قدیمی فنی، اعتراف می‌کند: «خیلی وقتا دستور میاد سریع گزارش رو ببندیم، چون تولید عقب افتاده... هیچ کس از پوسیدگی‌ها نمی‌پرسه.» اومی‌گوید بعضی لوله‌ها مثل کرگهای بسته شده‌اند، فقط منتظر یک شوک هستند: «ترک‌های ریز، مثل موهای سفید روی صورت یک پیرمردن، نشونه این هستن که عمر داره تموم می‌شه.» ولی گویا هیچ کس نمی‌خواهد به مرگ تجهیزات اعتراف کند. ترس از کاهش تولید، ترس از قطع صادرات، همیشه بر ترس از مرگ غلبه می‌کند.

❖ **صحنه پنجم: رسانه و انکار چهره‌ها**

در یکی از حوادث سال گذشته، بخار داغ یکی از مخازن نشتی پیدا کرد. چند کارگر سوختند اما تنها چیزی که تیتز شد، «کاهش ۳ درصدی تولید» بود. نه اسمی، نه چهره‌ای. ناصر می‌گوید: «ما آمار نیستیم ولی برای خیلی‌ها فقط عددیم.» او به دیوار فلزی رنگ‌پریده‌ای اشاره می‌کند که روی گورد می‌دهد. دختر راحله هنوز از صدای کتری آب می‌ترسد. ناصر دیگر نمی‌تواند شب‌ها چشم‌هایش را ببندد. خواب‌های‌شان بوی سوختن دارد. بوی فریاد بی‌ساخت اما هنوز هر روز می‌روند. هنوز به لوله‌ها گوش می‌دهند. هنوز امیدوارند شاید روزی کسی واقعا گوش بدهد. تا آن روز، تنها چیزی که شنیده می‌شود، زوزه لوله‌های ترک خورده است.



در حادثه‌ای دیگر، وقتی یک مخزن متانول ترکید و آتش شعلور شد، سه نفر جلوی چشمان همکارانشان در شعله‌ها گرفتار شدند؛ یکی از آن‌ها تازه دواچ کرده بود.

❖ **صحنه ششم: قمار زندگی با گوگرد**

پتروشیمی برای این مردان فقط شغل نیست، قمار جان است. قمار پنج‌هایی که دیگر سفت نمی‌شوند، سیستم‌هایی که هشدار نمی‌دهند و ناظری که نمی‌شنود. مردانی که هر صبح، پای در مسیری می‌گذارند که شاید شب بازگشتی نداشته باشد. آن‌ها با دستانی که بوی گریس و سوختگی می‌دهند، لقمه‌ای درمی‌آورند که بوی گوگرد می‌دهد. دختر راحله هنوز از صدای کتری آب می‌ترسد. ناصر دیگر نمی‌تواند شب‌ها چشم‌هایش را ببندد. خواب‌های‌شان بوی سوختن دارد. بوی فریاد بی‌ساخت اما هنوز هر روز می‌روند. هنوز به لوله‌ها گوش می‌دهند. هنوز امیدوارند شاید روزی کسی واقعا گوش بدهد. تا آن روز، تنها چیزی که شنیده می‌شود، زوزه لوله‌های ترک خورده است.



حاشیه‌نگاری

مرمت اثر فراموش شده ۳میلیون دلاری

جلای گوی «پومودورو»

مرجان حاجی رحیمی
هفت صبح



سال‌ها بود کسی از حضور یکی از بزرگ‌ترین کره‌های ساخته شده «آرنالدو پومودورو» هنرمند ایتالیایی، در ایران خبر نداشت؛ حتی در سال ۱۳۹۲ که کره برنزی کوچک‌تر این هنرمند در موزه هنرهای معاصر با همکاری بنیاد پومودورو غبار رویی شد، هیچ کس از آن یاد نکرد تا اینکه برای نخستین بار در سال ۱۳۹۷ در دست ۳۰ سال بعد از آنکه این کره در این مکان و نزدیک شهر بازی ارم نصب شد، خبری منتشر شد که توجه هنردوستان را به خود جلب کرد؛ نصب مجسمه‌ای در مسیر ورودی پارک ارم که حساسی سیاه و چرکین شده، پایه و حاشیه آن و آب‌نمایی که با چند کوزه ساده برایش ساخته‌اند، اصلاً در شأن قدر و منزلتش نیست. منحصر به‌فردترین اثر آرنالدو پومودورو مجسمه‌ساز معروف ایتالیایی که به گفته کارشناسان، سه میلیون دلار ارزش دارد، از برنز است؛ پنج تن وزن و سه و نیم متر قطر دارد. پس از این گزارش، این کره به محدوده داخلی پارک ارم منتقل شد. این اثر ارزشمند که جنس آن از برنز کامل است، در سال ۱۳۵۲ از کشور ایتالیا خریداری و در سال ۱۳۵۷ همراه با دستگاه‌های شهرسازی وارد کشور شد. از آنجا که چندی بعد انقلاب و در پی آن پارک ارم صادره شد، این کره هم که با ابزار آلات بازی وارد کشور شده بود، در محدوده پارک ارم که حالا به بنیاد مستضعفان تعلق داشت، نصب شد. به همین دلیل بود که هیچ خبری از وجود این کره پومودورو در ایران در سایت‌های جهانی منتشر نشده بود. سال‌ها گذشت تا اینکه هویت و ارزش کره شناسایی شد؛ نامه‌نگاری‌ها انجام گرفت و سرانجام آبان سال گذشته این کره ارزشمند به موزه زمان منتقل شد. این کره از آنجا که در تمام ۴۶ سال گذشته به حال خود رها شده بود، نیاز به مرمت و بازایی داشت و حالا مدتی است که با ریزینی بنیاد مستضعفان با بنیاد پومودورو و کمک یکی از اساتید دانشگاه و کارشناس خبره، مرمت آن نیز آغاز شده است.

منیژه هادیان دهکردی، سرپرست مرمت کره پومودورو معتقد است که مرمت این کره ۱۴ هفته زمان نیاز دارد و بخش عمده‌ای از این زمان صرف مطالعه و آسیب‌شناسی مرمت می‌شود. عکاسی سه‌بعدی و فتوگرامتری و حتی تصویربرداری با اشعه ایکس، بخشی از اقداماتی است که پیش از شروع مرمت برای اطلاع از میزان آسیب‌های وارده انجام شده است. هدف از مرمت این گوی با توجه به آنکه همچنان در محیط باز قرار دارد، محافظت بیشتر اثر در برابر عوامل محیطی چون باران، آلودگی هوا و فصولات پرت‌دکان است. هادیان دهکردی، مشکل اصلی اثر را تغییر رنگ، خوردگی و آلودگی سطحی عنوان می‌کند که البته اقدامات غیر کارشناسی پاکسازی نیز به این آسیب‌ها افزوده است. او بخش عمده مرمت را پاکسازی می‌داند که سطح وسیعی را دربر گرفته است: گردو غبار، نفوذ کرده‌اند و سیاهی‌های ناشی از آلودگی هوا و ترکیبات سولفیدی مشاهده می‌شود. در جریان مرمت، پس از پاکسازی، با رزین‌های مخصوص، سطح گوی را تثبیت خواهیم کرد. قطعاً آثاری که در شرایط محیطی قرار می‌گیرند همیشه مورد تهدید هستند، بنابراین سعی می‌کنیم با استفاده از مواد تثبیت‌کننده بیشتر آنها را محافظت کنیم ولی قطعاً این آثار بدون مراقبت دائم به وضعیت قبل بازمی‌گردند، بنابراین همیشه باید پایش را انجام داد. به همین منظور، مستندسازی دقیق انجام می‌شود تا در آینده امکان مقایسه و تحلیل هر گونه تغییر فراهم باشد.

❖ **تلاقی زیبایی، نظم و آشوب**

آرنالدو پومودورو، متولد ۱۹۲۶ که به تازگی چشم از جهان فرو بست، با مجموعه معروف (کره درون کره) به شهرت جهانی رسید. مجسمه‌هایی عظیم از جنس برنز یا فولاد که در نگاه نخست کره‌هایی صیقلی و کامل به نظر می‌رسند؛ اما با نزدیک شدن، بیننده با ساختاری ترک خورده، باز شده و درون‌نمایی از یک دنیای پنهان مواجه می‌شود. تضادی زیباشناسانه میان نظم بیرونی و آشوب درونی. این آثار اکنون در محل‌هایی چون مقر سازمان ملل در نیویورک، واتیکان، دانشگاه برکلی، یونسکو در پاریس و مدل کوچک‌تر آن در موزه هنرهای معاصر تهران قابل مشاهده است. قطر برخی از این کره‌ها به چهار متر می‌رسد و ساختار درونی‌شان نمادی از پیچیدگی جهان مدرن، فناوری، انسان و جامعه معاصر است. پومودورو در طراحی این مجسمه‌ها تنها به فرم نپردازد، بلکه مفاهیمی چون تناقض، فروپاشی، تکامل و رمزگشایی از حقیقت پنهان را به تصویر کشیده است. او با زبانی تجسمی و جهانی، تصویری از جهان ما ترسیم می‌کند: زیبا، پیچیده و همیشه در حال شکافتن و بازتعریف. در دنیایی که سرعت و مصرف‌گرایی گاه ما را از تأمل دور می‌کند، شاید ایستادن مقابل یکی از این کره‌ها، فرصتی باشد برای نگرستن به «درون»؛ نه فقط درون مجسمه که درون خودمان.



گزارش

امید امجد
هفت صبح

پیام‌رسان توئیتر یا همان «ایکس» را می‌توان یکی از تناقض‌های آشکار قوانین رسانه‌ای کشور دانست. پلتفرمی که برای ورود به آن در داخل کشور نیاز به ابزار فنی و مسیرهای غیرمستقیم (بقوانید فیلتر شکن‌ها) دارد. فیلتر بودن توئیتر باعث شده تا بسیاری از مردم و حتی برخی از مسئولان گمان کنند که استفاده از این پلتفرم غیرقانونی است اما موضوع وقتی جذاب‌تر می‌شود که بدانیم در سال‌های اخیر، برخی از رسمی‌ترین موضع‌گیری‌های سیاست خارجی، اطلاعیه‌های سیاسی، واکنش‌های بحرانی و حتی پیام‌های عالی‌ترین مقامات، دقیقاً از همین مسیر یعنی با توئیت، منتشر می‌شود. همین مسئله موجب شده تا این پرسش ساده اما بنیادین در ذهن بخشی از افکار عمومی بی‌پاسخ بماند که اگر استفاده از این پلتفرم تا این اندازه در سطح رسمی پذیرفته، رایج و حتی ضروری است، چرا همچنان فیلتر باقی مانده؟ و اگر دلیل فیلتر بودن آن تهدیدهای امنیتی، محتوای نامناسب یا مخاطرات اجتماعی است، چگونه است که نهادها رسمی در حساس‌ترین و مهم‌ترین بزنگاه‌ها، همان پلتفرم را انتخاب می‌کنند تا با جهان سخن بگویند؟



از منظر حقوقی، تکلیف توئیتر روشن است و براساس گفته حقوقدانان، استفاده از این پلتفرم جرم‌انگاری نشده و در قوانین کفیری موجود، فعالت در پلتفرم‌های فیلتر شده به‌تنهایی عنوان مجرمانه ندارد اما واقعیت ماجرا فراتر از خطوط قانونی است. آنچه وضعیت توئیتر را به یک مسئله حقوقی – رسانه‌ای بدل می‌کند، نه صرف استفاده یا عدم استفاده، بلکه نوعی تناقض ساختاری در سیاست‌گذاری ارتباطی است؛ جایی که ابزار رسانه‌ای هم‌زمان با آنکه برای مردم «ثامن» خوانده می‌شود، به عنوان ابزار رسانه‌ای دیپلماسی رسمی کشور هم مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این منظر توئیتر دیگر صرفاً یک شبکه اجتماعی نیست، بلکه بخشی از سازوکار رسمی انتقال پیام حاکمیت است.

❖ **تناقض در سیاست‌گذاری رسانه‌ای**

فیلتر بودن پلتفرمی که ویرترین موضع‌گیری‌های سیاست

خارجی، تریبون مواضع داخلی و ابزار ارتباطی مسئولان ارشد نظام است، دیگر فقط یک تصمیم فنی یا مصلحتی نیست بلکه نوعی تضاد نمادین با شفافیت حکمرانی رسانه‌ای است. از سوی دیگر، پلتفرم‌های اجتماعی مانند توئیتر، امروزه فقط محل گفت‌وگو نیستند و آنها را فضای عمومی دیجیتال می‌دانند؛ جایی برای بازتاب سیاست، تنظیم افکار عمومی و بازنمایی قدرت نرم. نهادهایی که از این بستر بهره می‌برند، آگاهانه یا ناخودآگاه در حال مشروعیت‌بخشی به آن هستند. استفاده گسترده از توئیتر با هدف انتقال پیام‌های رسمی به این پلتفرم اعتباری حقوقی و رسانه‌ای می‌دهد، اعتباری که با سیاست فیلتر شدن آن در تضاد است و در نهایت، اعتماد عمومی به سیاست‌گذاری رسانه‌ای را کم‌رنگ می‌کند. در روزگاری که مرز میان رسانه، قانون و افکار عمومی روزبه‌روز سیال‌تر می‌شود، بازخوانی چنین تناقضاتی، نه یک دغدغه انتقادی، بلکه یک ضرورت حقوقی و راهبردی برای تنظیم نسبت حاکمیت با رسانه‌های نوین است.

❖ **استفاده از توئیتر جرم نیست**

علیرضا طباطبایی هاشمی، وکیل پایه یک دادگستری، حقوقدان و وکیل تخصصی جرایم رایانه‌ای و فضای مجازی در گفت‌وگو با «هفت‌صبح» درباره وضعیت حقوقی استفاده از ایکس (توئیتر سابق) در ایران اظهار می‌کند: در رابطه با اینکه آیا استفاده از توئیتر در ایران غیرقانونی است یا صرفاً فیلتر شده، باید گفت که توئیتر، اینستاگرام و برخی دیگر از سایت‌ها و محتواها با سیاست‌های محتوامحور، با توجه به محتوای شان، گاهی اوقات توسط کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه فیلتر می‌شوند. این فیلتر شدن به این معناست که عملاً دسترسی به آنها با اشکال مواجه شود اما این به معنای جرم بودن نیست، یعنی استفاده از توئیتر جرم محسوب نمی‌شود و نمی‌تواند مشمول مجازات باشد. وی با تأکید بر اینکه در حال حاضر نه‌تنها مسئولان رسمی کشور، بلکه اغلب افراد از ایکس (توئیتر) استفاده می‌کنند، ادامه می‌دهد: فارغ از بحث چرایی فیلتر شدن توئیتر، باید توجه

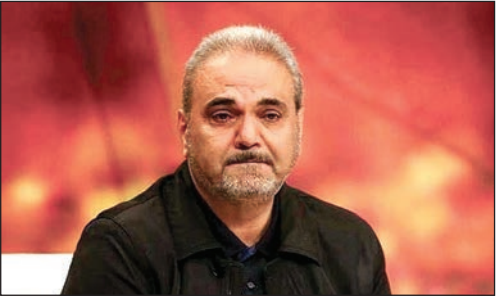
داشت که این پلتفرم هم‌اکنون یکی از بهترین راه‌های ارتباطی برای انتقال پیام‌های رسمی به دیگران است. به نظر من، فیلتر شدن توئیتر اقدامی بوده که مسئولان وقت، براساس شرایطی آن را صلاح دانسته‌اند ولی با توجه به اینکه این پلتفرم جایگاه بین‌المللی دارد و مسئولان رسمی در آن اظهار نظر می‌کنند، فیلتر ماندن آن یک اقدام منطقی به نظر نمی‌رسد. این حقوقدان در ادامه می‌گوید: اینکه چرا مسئولان از توئیتر استفاده می‌کنند، در حالی که فیلتر است، جای سوال ندارد چون استفاده از ایکس دارای عنوان مجرمانه‌ای نیست، در نتیجه نه‌تنها مسئولان، بلکه هر کدام از ما نیز می‌توانیم از ایکس استفاده کنیم، پیام‌های خود را منتشر کنیم و بازخورد بگیریم. لذا اقدام مسئولان هم اقدامی مجرمانه نیست. شاید بهتر باشد با توجه به استفاده گسترده مسئولان از توئیتر و اعلام مواضع رسمی از این طریق، در خصوص فیلتر بودن آن تجدیدنظر شود تا این شبهات نیز پیش نیاید.

❖ **چه زمانی یک توئیت، سند جرم می‌شود؟**

طباطبایی هاشمی در پاسخ به این پرسش که در چه شرایطی یک توئیت می‌تواند به عنوان مدرک جرم علیه شهروندان مورد استناد قرار گیرد، خاطر نشان می‌کند: مبنای حقوقی این موضوع ماده ۴ قانون تجارت الکترونیک است. این ماده، «داده‌پیام» را در حکم سند می‌داند. بنابراین اگر کسی اقدام مجرمانه‌ای در توئیتر، تلگرام، اینستاگرام یا سایر فضاهای مجازی داخلی (مانند بله، ایتسا و...) انجام دهد، آن مطلب به عنوان داده‌پیام محسوب شده که می‌تواند مستند جرم قرار گیرد چرا که طبق قانون تجارت الکترونیک، یکی از ادله اثبات جرم، وجود سند است. وی ادامه می‌دهد: برای مثال، اگر من مطالب کذب را علیه فرد دیگری در توئیتر منتشر کنم و اثبات شود که این حساب متعلق به من است و توئیت را من منتشر کرده‌ام، به جرم نشر اکاذیب تحت تعقیب قرار می‌گیرم

❖ **قانونی برای جرم‌انگاری استفاده از فیلتر شکن‌ها نداریم**

طباطبایی هاشمی در مورد استفاده از فیلتر شکن و اینکه آیا به کار بردن آنها برای ورود به پلتفرم‌هایی مانند توئیتر، جرم تلقی می‌شود یا خیر؟ یادآور می‌شود: واقعیت این است که ما هیچ مقرره قانونی برای جرم‌انگاری استفاده از فیلتر شکن نداریم. طبق قانون نمی‌توان گفت که استفاده از فیلتر شکن جرم است. البته گاهی اوقات دیده‌ایم که برخی دادرساند آلف ماده ۷۵۲ قانون مجازات اسلامی را به عنوان عنصر قانونی جرم فیلتر شکن در نظر می‌گیرند ولی این بند مربوط به نرم‌افزارهایی است که صرفاً به منظور ارتکاب جرایم رایانه‌ای استفاده می‌شوند. او در پایان می‌افزاید: فیلتر شکن‌ها صرفاً برای ارتکاب جرم استفاده نمی‌شوند بلکه در بسیاری موارد، با توجه به شرایط کشور و تحریم‌ها، به مردم کمک می‌کنند تا محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های ظالمانه را دور بزنند. علاوه بر این، در بسیاری از موارد، فیلتر شکن‌ها به بحث امنیت و رمزنگاری داده‌ها کمک می‌کنند. بنابراین نمی‌توان بند آلف ماده ۷۵۲ را تفسیری داد و گفت کسانی که از فیلتر شکن استفاده می‌کنند، مرتکب جرم شده‌اند.



نواختن گیتار بود و با صدای گیرایی می‌خواند؛ آن شخص «لویس پریسلی» بود.

تونی گرتیس در بیش از ۱۰۰ فیلم سینمایی ایفای نقش کرده، در دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی، بت جوانان آمریکایی بود و محبوبیت زیادی خاصه به خاطر سیمای جذابش نزد آنها داشت.

گرتیس آن روز وارد چادر شد و نزد لویس پریسلی رفت. لویس جوان از جای خود برخاست و جلوی «گرتیس» دست و پایش را گم کرد اما هنرپیشه باسابقه آن روزهای سینمای آمریکا با عطفونی فراوان به ستاره تازه مطرح شده موسیقی راک گفت:

«این چوب امدادی از گری کوپر به من رسید و حالا به نظر می‌رسد باید آن را به تو واگذار کنم. این چوب محبوبیت و شهرت فراوان را امروز به تو می‌سپارم اما لویس حواست باشد که آن را در زمان مناسب و به موقع به جان تازه نفس تری واگذار کنی و گرنه ممکن است با سرعت و شدت بیشتری سقوط کنی...»

کاری به سر نوشت عجیب لویس پریسلی نداریم، همانطور که نمی‌خواهیم از حرف‌های باربسط و بی‌ربطی که جواد خیابانی در سال‌های اخیر در برنامه‌های تلویزیونی بر زبان آورده بنویسیم یا گاف‌های او را بشماریم. آنچه این مطلب را به درازا می‌کشاند سرنوشت مجری و گزارشگر خوش صدایی است که به قول معروف به موقع از سر میز بلند نشد!

هرچند جواد خیابانی خداحافظی‌های کوتاه‌مدتی داشته اما دوباره با همان سرعت همیشگی برگشته و با وجود تمامی ضعف‌ها با قدرت (! به کارش ادامه داده است.

قصد روده‌درازی به سبک برخی اساتید تلویزیونی را نداریم و ختم کلام را با یک پرسش از جواد خیابانی به پایان می‌رسانیم:

«آیا وقت خداحافظی دائمی و سپردن چوب امدادی به یک جوان تازه نفس فرا نرسیده است؟ لطفاً به خودتان رحم کنید، استاد!»

به خودتان رحم کنید،استاد!

از تونی گرتیس والویس پریسلی تاجواد خیابانی

عمر استاندارد مجری‌گری در تلویزیون به‌طور دقیق مشخص نیست اما بین ۱۵ تا ۲۵ سال است.

به گزارش هفت‌صبح ورزشی، شاید یکی از پرسش‌های پرتکرار مخاطبان تلویزیونی خاصه ورزشی و فوتبالی این است که «عمر گزارشگری یا مجری‌گری در رسانه‌های دیداری چند سال است؟» همانطور که هر کارخانه‌ای برای انجام کارش نیاز به مواد اولیه دارد، مواد اولیه مجریان و گزارشگران تلویزیونی ورزشی نیز اطلاعات ورزشی، به‌روز بودن، عدم روزمرگی و داشتن انگیزه و شوق لازم برای فعالیت در این حرفه است. البته که شهامت و شجاعت نیز یکی از ملزومات این شغل است که پیش‌نیاز سلامت را باید به دنبال خود داشته باشد.

در آن سوسی مرزها، عمر گزارشگران تلویزیونی کمی طولانی‌تر از مجریان تلویزیونی است اما این حرفه نیز نیاز مبرم به ویژگی‌های مورد اشاره در بالا دارد.

با این مقدمه نسبتاً طولانی قصد داریم به ماجرای اخیر جواد خیابانی و رامین رضاییان بپردازیم؛

جواد خیابانی به تازگی در یک برنامه تلویزیونی ضمن انتقاد از پوشش ظاهری رامین رضاییان عنوان کرده‌است: «بازیکنی با ۱۵ میلیارد تومان لباس، می‌گوید که من با مردم هستم!»

گرچه برخی رفتارها، مصاحبه‌ها و حتی ظاهر ستاره استقلال قابل نقد به نظر می‌رسد اما طرف دیگر این داستان، سوزه امروز ماست.

چه بسا اگر مجری یا گزارشگر دیگری منهای جواد خیابانی چنین حرف‌هایی در یک برنامه تلویزیونی می‌زد و رامین رضاییان را نقد می‌کرد، با این حجمه روبه‌رو نمی‌شد اما...

به راستی چرا؟ چرا هر صحبت یا اظهار نظر جواد خیابانی این چنین واکنش‌های منفی را به دنبال دارد؟

اجازه بدهید با یک مثال به این پرسش تکراری پاسخ بدهیم؛ روزی روزگاری تونی گرتیس ستاره محبوب و خوش سیمای اسبق سینمای هالیوود و آمریکا وارد یک جشن عمومی و کارناوال شد. آن روزها زم‌مه‌هایی درباره پیدا شدن یک استعداد ناب در موسیقی آمریکا به گوش می‌رسید که چهره فتوژنیک‌کی هم دارد و...

تونی گرتیس که در اواخر دوران اوج خود به سر می‌برد، پس از ورود به کارناوال توجهش به چادر نسبتاً بزرگی جلب شد. در آن چادر، حدود دو هزار نفر گرد جوانکی خوش سیمما جمع شده بودند که مشغول

استقلال آغاز شده و ممکن است این تصمیم به ضرر آبی‌ها تمام شود.

رسم معمول در باشگاه استقلال این است که بازوبند بر اساس سابقه بیشتر بر بازو بسته شود. بد نیست برای یادآوری به یکی از تلخ‌ترین شکست‌های تیم استقلال در تاریخ دربی‌ها اشاره کنیم؛ استقلال و پرسپولیس هفدهم آذر سال ۱۳۶۸ در جام باشگاه‌های تهران به مصاف یکدیگر رفتند. مسابقه‌ای فوق‌العاده حساس که برنده آن عملاً در ادامه مسیر، برای قهرمان شدن در پایتخت مشکل خاصی نداشت.

محمد حسین کنعانی زادگان: بازی در استاد یوم آزادی حق پرسپولیس و هوادارانش است

برای قهرمانی می‌جنگیم نه بازوبند کاپیتانی!



را به پرسپولیس زد. من نمی‌دانم چرا برای مرمت و بازسازی این ورزشگاه، از زمان تعطیلی مسابقات استفاده نمی‌شود؟» وی ادامه داد: «دلیلی ندارد که ما و طرفداران پرشمار تیم پرسپولیس حتی ۷ هفته از میزبانی در استادیوم آزادی محروم شویم. همه می‌دانند استادیوم آزادی از قدیم!الایام تا به امروز، میزبان مسابقات پرسپولیس بوده است. ورزشگاه بزرگی که برای حریفان مـا خوفناک و دلهره‌آور و برای بازیکنان پرسپولیس یک نعمت و روحیه‌بخش است. این تصمیم به معنای گرفتن حق میزبانی از تیم پرسپولیس است.» محمدحسین کنعانی زادگان

دیروز نامجو و شاهرخ ... امروز رامین، صالح و رفقا!

دعوی کاپیتان دومی در استقلال بالا گرفت

اخبار واصله از اردوی آبی پوشان تهرانی حکایت از آن دارد که برخی بازیکنان استقلال مخالف کاپیتانی رامین رضاییان هستند، به گزارش هفت‌صبح ورزشی، پس از جدایی سیدحسین حسینی از استقلال و کوچ

حوادث

راز قتلی که با سناریوی گم شدن فاش شد

دسیسه زن جوان و مردان غریبه برای قتل شوهر

زن جوان با افشای تصاویر دوربین‌های مدار بسته و تحقیقات پلیسی به نقش خود در جنایت اعتراف کرد



فاطمه شیخ علیزاده

دبیر حوادث

انجام امور کاری از منزل خارج شده و دیگر باز نگشته است. شاکای افزود که تا پایان شب منتظر بازگشت او مانده اما خبری نشده است. به گفته وی، همسرش همواره در صورت عدم بازگشت به منزل، پیشاپیش اطلاع می‌داد و همین امر باعث شده بود که این غیبت طولانی، نگران کننده به نظر برسد. این زن در طرح شکایت خود گفت: «امکان نداشت که بهزاد جواب تماس تلفن را ندهد و چندین ساعت من را در تگرانی باقی بگذارد، به همین خاطر مطمئنم برای او حادثه بدی اتفاق افتاده است.» با ثبت شکایت، باز پرس سالار صنعتگر از شعبه سوم دادسرای امور جنایی پایتخت، دستور آغاز تحقیقات برای یافتن ردی از مرد مفقود شده را صادر کرد.

سختی راه می‌رفت و وضعیت جسمانی مناسبی نداشت، به همراه او مرد ناشناس از خانه خارج شده است. نکته مهم‌تر اینکه خودروبی که او سر آن وارد شد، توسط فرخنده همسرش، هدایت می‌شد. این شواهد، نقش احتمالی فرخنده را پررنگ‌تر کرد. مأموران با دستور قضایی، وی را به عنوان مظنون اصلی پرونده بازداشت کردند.

بازجویی واعتراف

فرخنده در مراحل ابتدایی بازجویی مدعی شد که از سرنوشت همسرش بی اطلاع است و صرفاً او را تا محل کار رسانده. با این حال، مواجهه با مستندات دوربین‌های مدار بسته و گزارش های پلیسی، منجر به تغییر اظهارات او شد. وی در اعترافات خود گفت: «سال‌ها با همسر اختلاف داشتم. هفت سال قبل با

مردی به نام پژمان آشنا شدم. او یک تولیدی داشت و من کارهای بازاریابی‌اش را انجام می‌دادم. همین همکاری باعث شکل گیری رابطه‌ای میان ما شد. در این مدت مشکلات زندگی‌ام را برای او تعریف می‌کردم و تصمیم گرفتم دیگر با بهزاد ادامه ندهم.» او ادامه داد: «به پژمان پیشنهاد دادم که بهزاد را از میان بردارد. شب حادثه، در آپمیهو همسرم داروی بیهوشی ریختم. وقتی او بی‌حال شد، در را برای پژمان و دوستش باز کردم. آنها وارد شدند و همسرم را از خانه خارج کردند. رانندگی خودرو را من برعهده گرفتم و همگی به یک سوله در غرب تهران رفتیم. پس از آن به خانه بازگشتم و دیگر خبری از سرنوشت او نداشتم.»

دستگیری همدستان

با اطلاعات به دست آمده از اعترافات فرخنده، مأموران پلیس، پژمان و همدستش را شناسایی و بازداشت کردند. دو متهم مرد پس از انتقال به اداره آگاهی، لب به اعتراف گشودند و جزئیات جنایت را شرح دادند. آنها گفتند که بهزاد را در همان سوله خفه کرده و جسدش را در حاشیه تهران رها کرده‌اند.

کشف جسد

براساس اعترافات متهمان، تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ به محل رها شدن جسد اعزام شد. بررسی‌های میدانی منجر به کشف پیکر بی‌جان بهزاد شد که آثار خفگی بر آن مشهود

نتیجه‌گیری اولیه

پرونده قتل بهزاد نمونه‌ای از جنایت‌های خانوادگی با طراحی و برنامه‌ریزی قبلی است که در ابتدا با سناریوی «مفقودی» آغاز شد و با کشف سرنخ‌های دوربین‌های مدار بسته به افشای حقیقت انجامید. استفاده از داروی بیهوشی، جابه‌جایی قربانی پیش از قتل و تلاش برای تغییر مسیر تحقیقات، نشان‌دهنده پیچیدگی و عمدی بودن جرم است. کیفرخواست متهمان پس از تکمیل تحقیقات و بررسی ادله، به زودی صادر خواهد شد و پیش‌بینی می‌شود اتهام اصلی آنان «قتل عمد همراه با مشارکت» باشد که مجازات آن، قصاص نفس است.



دعوا بر سر بازوبند کاپیتانی استقلال بود. شاهرخ بیانی چند ماه قبل از این بازی دوباره به استقلال برگشته بود ولی مجید نامجو مطلق بر سرر کاپیتانی شاهرخ هنگام جدال با پرسپولیس (به دلیل حضور بیانی در پرسپولیس فصل قبل!) اعتراض داشت و... در نهایت منصور پورحیدری برای آرام کردن اوضاع تصمیم گرفت در آن مسابقه نه بیانی کاپیتان باشد و نه نامجو مطلق بازوبند را ببندد بلکه این وظیفه را روی دوش رضا احدی هافبک فقید آبی‌ها گذاشت و نتیجه هم شکست تلخ تیم پرستاره بود!

تجاوز به خواهر، انگیزه قتل در داد گاه عنوان شد

شلیک انتقام ناموسی سه برادر

برادران متهم به قتل مردی ۳۵ساله، پس از نقض حکم

در دیوان عالی دوباره محاکمه شدند



در میانه سال ۱۳۹۶، مقابل قهوه‌خانه‌ای در شهرستان پیشوا، حادثه‌ای خونین رقم خورد. براساس گزارش‌های اولیه، سه برادر به محل آمدند و دو نفر از آنها در ورودی قهوه‌خانه را مسدود کردند. سومین برادر با ورود به داخل، با یک قبضه اسلحه شکاری به سر مردی ۳۵ ساله به نام احسان شلیک کرد و پس از آن، همگی از محل گریختند.

تحقیقات اولیه

دوستان مقتول در جریان تحقیقات پلیسی اظهار داشتند که میان احسان و این سه برادر، از مدتی پیش تنش و اختلاف وجود داشته است. به گفته آنان، این اختلافات به دلایل نامعلومی ادامه داشته و گاهی به مشاجره‌های لفظی و رفتارهای خصمانه منجر می‌شده است.

بازداشت پس از سه سال

پیکری پرونده و اقدامات اطلاعاتی کارآگاهان پلیس آگاهی، در نهایت به معرفی شدند. در نخستین جلسه دادگاه، متهم اصلی به حضور در جایگاه دفاع، گفت: «سال ۱۳۹۳، احسان به خواهر ما که متأهل بود و یک دختر نوجوان داشت، تجاوز کرد. این اقدام باعث سوایی و بی‌آبرویی ما در محل زندگی شد. شوهر خواهرم او را طلاق داد و دختر خواهرم نیز به دلیل فشارهای روانی دست به خودکشی زد که خوشبختانه نجاتش دادیم. از آن زمان به بعد، احسان با رفتارش را ما در محل تحقیر و تمسخر می‌کرد. همین مسائل ما را به تصمیم برای قتل او رساند.» وی درباره روز

نقض حکم در دیوان عالی کشور

قضات دیوان عالی کشور با توجه به ادعای متهم درباره «تجاوز به عنف» و انگیزه انتقام ناموسی، حکم صادره را نقض کردند. آنان دستور دادند که تحقیقات تکمیلی با تمرکز بر ادعای متهم و بررسی صحت آن انجام شود.

شهادت بستگان در دادگاه

در جریان رسیدگی مجدد، خواهر

تعرض تصمیم‌گیری کند.

